



سبحان الله

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

در ابتدا به چند نکته می پردازم که خالی از لطف نیست، نخست فولکلور که به طور کلی در سال ۱۳۱۴ معادل سازی این کلمه توسط غلامرضا رشید یاسمی انجام شد و فولکلور در مقابل کلمه فرهنگ عامه قرار گرفت.

در نیمه نخست قرن ۱۹ در انگلیس به مطالعات فولکلور پرداختند و پس از مدتی که مطالعات بسیاری در این زمینه انجام شد فولکلور جزئی از مطالعات انسان شناسی اجتماعی شد و آن را جزء فرهنگ دانستند. لیکن در امریکا فولکلور ادامه داشت و اکنون فولکلور جزء تحصیلات دکتری قرار گرفته است و از سایر رشته ها همچون فلسفه، تاریخ و ... می توانند در زمینه فولکلور ادامه تحصیل بدهند.

اما فولکلوری که در امریکا رایج است محدود است به ادبیات شفاهی یا هنر کلامی اما فولکلور در ایران همان رنگ سنتی را دارد و به تمامی مواضع پرداخته است.

و اما دانشنامه نویسی که باید بگویم دانشنامه نویسی سه وضع دارد و در سه گروه طبقه بندی می شود. یکی گروه جغرافیایی که شامل جغرافیای فرهنگی و سیاسی می شود یکی به عنوان موضوعی و یکی به عنوان مدخل. دانشنامه ای که در مرکز دایره المعارف اسلامی نوشته می شود به صورت مدخلی است و از این رو نباید انتظار داشته باشیم که مطالب اختصاصی راجع به فرهنگ عامه اصفهان را در خود جای دهد این دایره المعارف دارای مدخل های مختلف است و ممکن است در گوشه ای از آن به فرهنگ عامه اصفهان نیز اشاره ای شده باشد.

«در فرهنگ خود زیستن و به فرهنگ دیگران نگرستن» کتابی است که شامل ۳۰ مجموعه مقالات اینجانب است که به سفارش اهل علم و ادب در مجموعه ای به صورت کتاب گردآوری کردم و عنوان این کتاب عنوان یکی از سخنرانی های من بود برای شورای کودکان و نوجوانان. در فرهنگ خود زیستن وظیفه سیستم آموزش و پرورش ماست بدین صورت که کودکان ما را از آغاز تعلیم و تعلم با فرهنگ ما آشنا سازند و منظور من در این مقاله آن بود که ما باید ابتدا از فرهنگ خودمان تغذیه کنیم و رشد کنیم و بعد از یک فرهنگ به فرهنگ های دیگر نگاه کنیم در این صورت وقتی فرهنگ خود را عمیقاً و به درستی بشناسیم هیچ گاه حتی تحت تاثیر نفوذ سایر فرهنگ ها قرار نخواهیم گرفت و هویت خود را حفظ می کنیم.

در اینجا بنده به مردم نگاری آیین ها و فرهنگی که در زندگی مردم جریان داشته است می پردازم.

کار مردم شناسی به طور کلی کار پرداختن به مردم نگاری فرهنگ است. حالا مردم نگاری چیست؟ هم علم است هم روش تحقیق. محقق مردم نگار کارش روایت فرهنگ است فرهنگی که تجربه زیستی انسان است و در توالی نسل ها این فرهنگ در زندگی روزمره انسان ها کنش های نمادین، نهادهای اجتماعی و حافظه تاریخی آن باز تولید می شود که ما در هر زمان می توانیم این بازتولید را شاهد باشیم.

آیین یکی از بخش های بزرگ حوزه فرهنگ است و آیین ها بخش بزرگی از فرهنگ را چه فرهنگ عامه باشد چه فرهنگ به طور کلی همه را دربر می گیرد که رفتارهای علمی و عقیدتی مردم را شکل می دهد. مردم نگاری که قصد بررسی آیین ها و فرهنگ عامه را دارد برای این منظور باید حضور میدانی داشته باشد در این حضور میدانی باید با شیوه های مشاهده، مشارکت، مصاحبه آنچه را در یک فرهنگ جریان دارد را ثبت و ضبط بکند و البته تحقیقات کتابخانه ای یا اسنادی مکمل شیوه میدانی است در زمانی که داده های خود را پیدا کرده ایم و می خواهیم ریشه و ابعاد آنها را پیدا کنیم لازم است تحقیقات کتابخانه ای یا اسنادی را در تکمیل تحقیقات خود به یاری بطلبیم و در جایی که نیاز به تحلیل و استدلال داریم آن جا است که مردم شناس با توجه به علم خود مسائل را تحلیل می کند و علت شکل گیری این آیین را توضیح می دهد. به طور کلی مردم نگار در تحقیق خود همیشه با دو نوع از مردم سر و کار دارد یک نوع بافت و فرهنگ سنتی است که هنوز در حوزه تفکرات و اعتقادات سنتی باقی مانده اند و فرهنگ دیگر بافت فرهنگ مدرن است در جوامع پیشرفته. مردم نگار ما تصویرگر این دو تقابل فرهنگی است و اما آیین که از دیرباز در فرهنگ ما کاربرد داشته و آیین در فرهنگ ما پیشینه بسیار درازی دارد و باید بدانیم که لفظ آیین را ما از زمان ساسانی به کار می برده ایم و اما آیین چیست؟ مجموعه ای از آداب و رسوم نظام مند و هدف دار که به الگوهای رفتاری معنا می بخشد و همین باورهایی که جاذبه نمادین دارند برای ما بافت مناسک و مراسم چه عرفی و چه مذهبی را می سازند. در اینجا باید توجه داشته باشیم که مناسک و مراسم ما هیچ وقت برپایه اعتقادات فردی نیست و هیچ فردی نمی تواند سازنده و بنیان گذار یک منسک باشد بلکه اندیشه و اعتقادات جمعی است که مناسک را می سازند و یا یک رسم را پدید می آورند و یا یک آیین را جلوه می بخشند. اشاره کردم که آیین پیشینه بسیار دراز دارد و طبق اسناد مکتوب ما این یک کلمه پهلوی است و به زمان ساسانی برمی گردد و ما در زمان ساسانی مجموعه « آیین نامک ها » را داشته ایم و

دکتر تفضلی در دایره المعارف الاسلامی به این آیین نامک ها پرداخته است. این آیین نامک ها که عنوان مجموعه کتابی بوده مربوط به آداب و رسوم دربار، طبقات اجتماعی، قواعد و اصول زندگی و تمام اصول و قواعدی که در بازی های و سرگرمی ها به کار می رفته است و درجات اجتماعی و منزلت اجتماعی بوده.

در زمان خلفای عباسی در بغداد تمام این آیین نامک ها را به زبان عربی ترجمه کردند تا اصول حکومت از ساسانیان بیاموزند زیرا هیچ یک از خلفای عباسی آشنایی با اداره امور مملکت نداشته اند از این رو به یک سرمشق نیاز داشتند که آیین نامک ها بهترین سرمشق برای آنان بود. متأسفانه امروزه هیچ یک از آیین نامک ها نه به زبان فارسی و نه به زبان عربی وجود ندارند اما مورخان اسلامی به وجود آنها اشاراتی کرده اند برای مثال مسعودی در کتاب «التنبیه و الاشراف» از کتاب «الرسوم سخن» به میان آورده است یا صالحی در «غرر الاخبار» راجع به کتاب الآیین صحبت می کند و مطلبی را از این کتاب نقل می کند و می گوید در این کتاب درجات منزلت اجتماعی مردم در دوران پادشاهی از جمشید تا انوشیروان نقل شده است.

پس آیینی که ما به جای کلمه رسم به کار می بریم سابقه طولانی و بیش از هزار سال در ایران دارد.

کسانی که روی مردم نگاری و آیین کار می کنند باید بدانند که بین جامعه شهری و روستایی ما فاصله زیادی وجود نداشت و فرهنگ ها در آن زمان بسیار نزدیک بود و هر دو از یک فرهنگ و هویت و آن هم فرهنگ روستایی بهره مند بودند لذا مردم نگاری که با مردم روستایی و فرهنگ آنها سروکار دارد کارش بسیار آسان تر است نسبت به کسی که با جامعه شهری و مدرن امروزی مواجه است چون در جامعه مدرن ما یک تقابل فرهنگی داریم بین جامعه شهری و جامعه روستایی. اکنون فاصله ها بسیار زیاد شده و این فاصله روی فرهنگ بسیار تاثیر گذاشته است و فرهنگ بسیار پیچیده شده است و کار مردم نگار بسیار دشوار و پیچیده شده است و این پیچیدگی و توسعه از اواخر دوره قاجار شروع شده و تا به امروز که ما خط مدرنیته و تجددگرایی را طی می کنیم ادامه دارد.

نکته دیگر در مردم نگاری آیین موضوع تکرر قومی و چند فرهنگی در شهرهاست. شهر یک فرهنگ نیست که قابل قضاوت باشد، قوم های مختلف به شهرها آمده اند و هر یک فرهنگ و روش خاص خود را دارند اگرچه فرهنگ و آیین آنها با فرهنگ شهرها در هم آمیخته است،

بنابراین در اینجا مردم نگار باید نگرش خاص داشته باشد و فرهنگ های قومی یا دینی یا زبانی را با فرهنگ شهری مخلوط نکند.

جا دارد این نکته را اضافه کنم که هنگامی که پژوهشگر در مبحث مردم نگاری مشغول می شود در ابتدای امر باید نسبت به موضوعی که قرار است بررسی کند آگاهی کامل داشته باشد و شرط آن این است که روی موضوع مربوطه مطالعه کافی کند.

در این جا یک طبقه بندی پنج گانه از آیین ها می کنم که طبقه اول آیین های بیست که همگی پیوند با طبیعت دارند و پیشینه بسیار درازی در ایران دارند و پیش از تاریخ شروع شده اند و تا به امروز ادامه دارند مانند نوروز، شب یلدا و چهارشنبه سوری .

دوم آیین های بیست که زمینه دینی و مذهبی دارند که می توانیم آنها را به دو دسته تقسیم بندی کنیم آنهایی که جنبه های شادی و سرور دارند همچون میلادها و آنها که جنبه سوگواری و غم دارند همچون تمام مراسم های محرم، یا مناسک های عبادتی که جزو آیین های مذهبی به حساب می آیند همچون آداب روزه داری.

سومین آیین های بیست که مربوط به رویدادهای خانوادگی است که از تولد آغاز می شود و تا مرگ ادامه دارد که هم جنبه شادی دارد مانند تولدها مراسم های ازدواج و هم جنبه سوگواری دارد مانند مرگ.

چهارمین آیین های عبادی است که مربوط می شود به طریقت های عرفانی و صوفیانه. ما طریقت های مختلفی داریم از ذکر جلی قادری گرفته تا ذکر خفی نقشبندی ها و یارقص چرخ مولوی. اما آیین پنجم که آیین منطقه ایست. هر منطقه برای خود آیین خاصی دارد که در جاهای دیگر مانند آن نیست مانند مراسم قالی شوپان در اردهال کاشان یا پیر چک چکو در یزد و ... در اینجا دوست دارم به علت نزدیکی به ماه رمضان راجع به آیین های این ماه مبارک صحبتی داشته باشم.

رمضان برای ما بسیار اهمیت دارد زیرا که ماه رمضان یکی از زمان های قدسی در فرهنگ ماست درست مانند اسفند ماه که زمانی قدسی در فرهنگ ایرانی است و چرا ماه رمضان برای ما مقدس است؟ زیرا که تنها ماهی است که نام آن در قرآن ذکر شده است و در یکی از شب های این ماه است که قرآن کلام خدا به پیامبر نازل شده است و در شب های قدر است که فرشته ها به روی زمین می آیند و برای امور و تدبیر زندگی مردم را راهنمایی می کنند، همین فرشتگان به

روزه داران و زمین کرامت می بخشند و در همین شب‌های قدر شب برائت است و هر کسی هر آرزویی دارد می‌تواند آرزوی خود را عنوان کند و تمامی این قداست‌ها را قبل از ظهور اسلام ما در اسفند ماه داشته ایم. اولاً که نام اسفند نام فرشته یا امشاسپند اسپندارمذ است پانیا روز پنج اسفند را اسپندگان نام گذاری کرده اند و در آن روز جشن زنان بوده است و ابوریحان بیرونی از این جشن به نام مردگیران یا مژده گیران در کتاب «التفهیم» خود نام برده است و در همین ماه است که فرشتگان به زمین می‌آیند و تدبیر امور با ایزد سپندارمذ است و در ماه اسفند است که تمامی ارواح مردگان به زمین می‌آیند تا زمانی را با خویشان خود سر کنند و من در کتاب خود راجع به چهارشنبه سوری اشاره کرده ام که در شب چهارشنبه سوری ارواح خود را برای عروج به زمین آماده می‌کنند. فلذا اسفند ماه در فرهنگ پارسی همان قداست ماه رمضان را در فرهنگ اسلامی دارد.

باید بدانیم که در ماه رمضان یک دگرگونی خاص در زندگی مردم پیدا می‌شود، در آداب خواب و خوراک مردم تغییر روی می‌دهد حتی در مواد غذایی نیز با تغییر مواجه هستیم کار و اشتغال، نوع رفتار و شیوه گفتگو مردم همگی تغییر می‌کند. سرگرمی‌ها و تفریحاتشان با سایر ماه‌ها متفاوت است در احوالات شخصی، در گفتار، در زبان و گفتار، در روابط عمومی و احوالات شخصی مردم همگی تغییر ایجاد می‌شود و یک مردم نگار باید تمامی این مسایل را مورد بررسی قرار دهد. از نقاط مشترک بین اسفند و ماه رمضان می‌توانیم به فرهنگ تظہیر و پاکسازی اشاره کنیم که هم جسمی است و هم روحی.

آیین کلوخ اندازان که شب قبل از شروع ماه رمضان بود و بر این امر اشاره داشت و بدین صورت بود که شب قبل از شروع ماه رمضان یک کوزه را به سمت مغرب پرت می‌کردند و می‌گفتند هر چه گناه کردیم بس است و گناهانشان را با آن کوزه می‌شکستند و یا به جای کوزه کلوخی را پرتاب می‌کردند. بعد آیین استهلال بود که آیین خاص خود را داشت و بعد آیین‌های شبانه، بیدار باش‌ها، مناجات خوانی‌ها و بعد آیین‌های سوگواری در ماه رمضان که از ۱۹ این ماه شروع می‌شد و تا ۲۱ ماه ادامه داشت و مناسبت آن ضربت خوردن امیرالمومنین بود و روزهای شادی مثل ۲۷ رمضان که مصادف است با قتل ابن‌مجلسم که در این روز شاهد آیین‌های مختلفی هستیم از حنابندان خانم‌ها تا خزاب بندگان آقایان و کارهای دیگر مانند ابن‌مجلسم سوزی که عروسک‌هایی از ابن‌مجلسم می‌ساختند و در این روز به آتش می‌کشیدند این آیین هنوز در برخی

از شهرهای کویری وجود دارد. مراسم قاشق زنی که جز مراسم های چهارشنبه سوری ما حساب می شود را در روز قتل ابن ملجم نیز داریم .

در اسلام ما دو عید بزرگ داریم یکی عید فطر و دیگری عید قربان که عید فطر مربوط به ماه رمضان است و این عید آیین های مختلفی دارد که از همه مهمتر ضیافت های این عید است و در گذشته بزرگان شهر و روستا سفره کرم می انداختند و مردم می توانستند از خوان آنها بهره مند شوند. از دیگر آیین های ماه رمضان بستن حنای سی تبارک است که زنان برای بخت گشایی دخترانشان این کار را می کردند و از اول ماه رمضان تا آخرین ماه سوره ملک قرآن را که به سوره تبارک نیز معروف است و سی آیه دارد را به صورت روزانه یک آیه به حنا می خواندند و با اتمام ماه رمضان آن حنا را به گیسوی دخترکان می بستند